

2012-01-23

ما سیه بختان حباب گریه ی نومیدی ایم

روزی، در همین اواخر، در یکی از منازل دوستان مهمان بودیم. قرار معمول، آهسته آهسته سر صحبت های سیاسی، بخصوص در مورد مصیبت های سر زمین مان و بگونه ی مختص، روی موضوع مربوط به معامله گری کشور های غربی با گروه طالبان باز شد. در میان میزبان و مهمانان، هموطنی حضور داشت که ظاهراً درس خوانده و باسواد هم بود. وقتی چند تن از مهمانان حاضر در مجلس اظهار داشتند که گروه طالبان، مزدوران و آدمکشانی بیشتر نیستند و هر نوع مذاکره و معامله با چنین گروه نا بکار، خلاف منافع ملی ماست، هموطن درس خوانده و با سواد ما، در حالیکه خودش را جمع و جور میکرد، با یک نوع تمجیح و کم جراتی، زبان به صحبت گشوده گفت: " مه فکر میکنم طالبان یک گروه مسلح هستند که با دولت کرزی و نیرو های اشغالگر برای آزادی افغانستان می جنگند. همه طالبان سیه اندیش و نوکرنیستند، در بین آنها مردمان آزادیخواه هم وجود دارد و ..."

چون قبلاً، حرفها و زمزمه های اینچینی از دهن و قلم دو، سه تن از " اکادمیسن " های وطنی در نشریه های برون مرزی خوانده و شنیده بودم، چنین استنباط کردم که این هم میهن ما نیز، همان زمزمه های مغرضانه ی بی پشتیبانه را شنیده (یا خوانده)، بدون آنکه خودش دانش، اعتقاد سیاسی و قضاوت سالم داشته باشد، همان شنیده شده و خوانده شده را تکرار میکند، بنابراین، نا گزیر شدم با اخذ اجازه از میزبان و مهمان، خطاب به وی بگویم: برادر عزیزم! من اعتقاد ندارم و نمی پذیرم که طالبان سیه اندیش نباشند. هرگاه بقول شما، افراد یا حلقه ی آزادیخواه در میان شان وجود داشته باشد، چرا تا امروز، اعمال و کردار سیه کارانه ی گروه طالبان را رسماً توسط اعلامیه یا ابلاغیه رد نکرده اند؟ چرا اهداف سیاسی و مردمی شان را اگر وجود داشته باشد، برای مردم ما توضیح نداده اند؟ چرا تا حال علیه خرابکاری های سازمان جاسوسی ارتش پاکستان (آی. اس. آی) موضع نگرفته اند؟

باز، هرگاه چیزی بنام افراد یا حلقه ی آزادیخواه، وطنپرست و طرفدار علم و پیشرفت وجود دارد، آیا مردم افغانستان حق ندارند از آنها بپرسند که در این روزگار سیاهی که رژیم های همسایه و

کشور های ذیدخل در امور افغانستان، هر فرد آزاده و مستقل واقعی را به تیرمی بندند و از افکار و اندیشه های ملی و آزادیخواهانه نفرت عمیق دارند ، اینهمه سلاح های پیشرفته، پول هنگفت دالری و امکانات جنگی را از کجا بدست می آورید؟ آیا حق ندارند از چنین جمع یا حلقه ی مسلح به اصطلاح آزادیخواه سوال کنند که چرا موضعگیری سیاسی و مردمی شان در قبال بازیهای اخیر امریکا و متحدان آن مبنی بر مذاکره و معامله را افشا نمیکنند؟ آیا این " آزادیخواهان "، سر بُریدن های وحشیانه ، عمل نا روای انتحار و انفجار علیه بیگناهان، آتش زدن به مکاتب و اماکن میهن را تأیید میکنند ؟ اگر تأیید میکنند، پس اینها چگونه آزادیخواه و نیروی مردمی مسلح هستند؟ آیا لازم نیست این "آزادیخواهان" درونی گروه طالبان پاسخ دهند که مفهوم آزادیخواهی چیست؟ آیا آزادی و استقلال سیاسی مملکت بدون آزاده گی، دموکراسی ، عدالت اجتماعی و امنیت سراسری مفهوم و معنایی دارد؟ آیا پذیرش اسارت و غلامی شبکه های جاسوسی کشور های همسایه و غیر همسایه در قاموس آزادیخواهی ، وطنپرستی و غرور افغانی جایی و گنجایشی دارد؟ آیا میتوانند به آگاهی مردم ما برسانند که گروه مذکور هنوز هم در صدد احیای امارت قرون وسطایی در افغانستان هستند و یا مکانیسم دولتی دیگری در نظر دارند؟

برادر عزیز ! من اصلاً معتقد نیستم که در میان این گروه بی علم و دانش، دسته ها و حلقه های روشندل و روشن ضمیر وجود داشته باشد. درست است که مردم افغانستان به اساس تجارب ده ساله از حضور جامعه ی جهانی در کشور شان و ظلم و نا روایی های سربازان آنها شدیداً ناراض و متفراند و گروه طالبان، اکثراً از این نا رضایی و انزجار بهره برداری های سیاسی – تبلیغاتی میکنند، ولی سوال اینست که آیا اعمال و افکار گروه مذکور بهتر از اعمال و افکار سربازان نا تویی و امریکایی و دیگران است ؟ مردم ما و مردم جهان شاهد اند که اگر امریکا و انگلیس و نیرو های ناتو در هر شب و روز مرتکب جنایت در خاک افغانستان میشوند، طالبان نیز به نوبه ی خودشان دست به انواع جنایت خونین میزنند، اگر امریکایی و انگلیسی با فرو ریزی بمب انسان میکشد، طالبان عین عمل را با انفجار و اعدام و سنگسار انجام میدهند.

گفتم برادر! بزرگان تأکید کرده اند که " آزموده را باز میآزمای که خطاست " و " خر مُهره را بجای عقیق منشان که بیجاست ! " آیا تا حال از خود پرسیده یی طالبانی که سالها جای شان تنها در حجره ی مسجد بود و از خیرات و صدقات مردم میخوردند و زنده گی میکردند، چگونه یکدم تانک چلان و طیاره پران شدند؟ این جنگنده های مسلح در کجا پرورش یافتند و از کجا سر بر آوردند و جلو شان بدست کی ها ست ؟

پس زمزمه های چون " طالبان مخالفان مسلح آزادیخواه " هستند، " طالبان برادران پشتون ما میباشند" و " طالبان بچه های افغان هستند " و امثالهم ، هرگز نمیتواند ماهیت فکری و سیاسی آنان را تغییر دهد . مخالفین مسلحانه ی یک رژیم و یا یک کشور خارجی اشغالگر، آنهم در صورتی که مخالفین سیاسی ملی و بهیخواه باشند، در جهان تعریف خاص خودش را دارد، در غیر آن ، جز مخالفین مسلح اوباش ، رهن ، قاتل و ویرانگر، چیز دیگری خوانده نمیشوند. آیا تا امروز اندکترین نشانه یی از ترقیخواهی، مردم دوستی ، عدالت پسندی ، صلح طلبی و گرایشات تمدن دوستی و اهلیت و درایت از سوی این گروه دیده شده است؟

من که در عین صحبت ، اندک احساساتی هم شده بودم ، خطاب به هموطن خویش گفتم :
برادر عزیزم! لطفا دقت کن ، روی مسایل مهم ملی و حیاتی توجه کافی داشته باش، هیچگاه بدون داشتن معلومات کافی، اسناد و دلایل قوی، ابراز نظر مکن، زمزمه های تبلیغاتی دشمنان ملت ما را باور نداشته باش و به واقعیت های ملموس جامعه معتقد شو تا در صحبت و در عمل خود محکوم، نادم و نگران نشوی!

با درد و دریغ که مردم ما را در طول دهه ها و سده ها بسیار فریفتند، برای شان بسیار دروغ گفتند، بالای شان اربابی و حکمروایی کردند و از آنها بسیار بهره جستند تا عاقبت، روزگار ما چنین شد که می بینیم . دیگر نباید به هیچ کسی حق دروغ بافی و فریبکاری را بدهیم . دیگر با بد بحد کافی هشیار و بیدار شده باشیم تا از یک سوراخ چندین بار گزیده نشویم.

بلی ، دستگاه های تبلیغاتی و استخباراتی کشور های استعماری، امروز بسیار قوی و توانمند اند و بخاطر رسیدن به هدف های تعیین شده ی خویش ، بصورت ماهرانه یی دست بکار شده از راه های مختلفی برنامه ها و مقاصد خود شان را " مدلل" و " دلپذیر" جلوه میدهند و در منحرف ساختن اذهان عامه استعداد کافی دارند . ما بار دیگر، با احساس مسوولیت تاریخی خویش ، با صراحت میگوییم که آنچه را دستگاه های جهنمی استخبارات جهانی و منطقه یی بنام " طالبان " به راه انداخته اند، به هیچ صورت ماهیت مردمی نداشته مطابق به منافع والای ملی مردم افغانستان نبوده و نخواهد بو. و بنابراین، برگشت آنها به قدرت سیاسی، یکبار دیگر ملت و مملکت افغانستان را با خشم و خون و خاکستر مواجه خواهد ساخت. (پایان)